

پیکار دانشجو

ارگان سازمان دانشجویان جنبه ملو ایران

استقرار حکومت قانونی هدف جنبه ملو ایرانست

بهماه ۵ روال

فروردین ۱۳۴۳

پاسخ پیشرای ملت بتبریک نوروزی کمیته سازمان دانشجویان جنبه ملو ایران

احمد آباد اول فروردین ماه ۱۳۴۳

در این شماره

- ۱- جنبه ملو و روش مبارزه
 - ۲- ترور در دانشگاه
 - ۳- ملاحظاتی درباره کنفرانس اکافه
 - ۴- نامه سرگشاده به رئیس دیرانمالی کشور
 - ۵- گذشته و آینده دانشگاه
 - ۶- سازمان رهبری جوانان - منزله دانش جدید دستگاه استبداد را تعطیل کنید
 - ۷- دانشجویان دانشگاه خراسان آزاد می فروری
- هدیه بن قید شرط سران جمعیت نهضت آزادی ایران هستند *

کمیته محترم سازمان دانشجویان جنبه ملو ایران
 نامه محترم مورخ ۲۹ اسفند عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید که این هیئت محترم گماکان مسائل مربوط بملت ایران را در نظر گرفته و تعطیل ننموده است و این جدیت که نشان میدهد موجب نهایت امیدواری است و این جانب بسهم خود موفقیت شما دانشجویان عزیز را در آزادی و استقلال ایران خراجانم و امیدوارم که موفق شوید و روزی تبریکات خود را در این زمینه بشما تقدیم کنم و بیش از این تصدیق نمیدهم و از خدا خراجانم که سالهای بسبار در کمال صحت و خوشی بگذرانید و باین اعیاد نایل گردید *

دکتر محمد صدق

تبریک و تحننید عم

جشن نوروز همواره نزد ایرانیان با مفهوم دگرگونی و تحول و غلبه ریشی و راستی بر تانگی و دروغ همراه بوده است برای نسل معاصر ایران نیز نوروز با خاطره افتخار آیزی در آبیخته است " زبوا در روز بیست و نهم اسفند ماه سال یکم هزار و سیصد و بیست و نه به رهبری صدق بزرگ صنعت نفت در سراسر کشور ملو شد و این پیروزی درخشان بر آن سنت کهن جلوه ای نمود *

در آغاز سال نو بایاد آوری خاطرات شورانگیز آنهمه پیروزی که بهره وری از نتایجش برای مدت ناچرا مردانه بهیوته اجمال نهاد شده است برای همه زنان و مردان آزاده ایران به روزی و شادمانی آرزو میکنیم و خراجانیم که سال نو سال آزادی و آبادی ایران باشد آرزو مندیم درین سال صدق رهبر عالی قدر زندانی خود را در جمع خوشباز ببینیم و گوش فرمان وی و باطنین مردانه صدای او جنگ بو امانی را که برضد استعمار را استبداد شروع کرده ایم با شیر و شوق و بو با دانه ادامه دهیم و مبارزه از را که آفلزش بانام وی برده است بنام او و با نظارت مستقیم او بمرطبه پیروزی برسائیم *

کیفیات و شرایط - اختصاصات مبارزاتی جبهه ملی و روش مبارزه (۲) ایران

"استقبال که از شماره گذشته پیام دانشجو بعمل آمد گفت و شنود و بحث و مذاکره ای که راجع به محتویات آن شماره و خصوصاً درباره روش مبارزه جبهه ملی در گرفت صیبن آن بود که هنوز آتش شورش و شوق مبارزه در دل مبارزان رو به خاموشی نگذاشته راگر خاکستر صبر و انتظار از روی آتش آن برداشته شود خرمن هستی حیات حاکمه فاسد را خواهد سرخست و بر صفحات درخشان تاریخ حیات این ملت ورق زرین دیگری خواهد افزود و مادامیکه غرور و سرافرازی ازین همه عنایت به پیام دانشجو و مبارزه دانشجویان برپایه اندیشه ای که مایه آن استقبال عمر و پیشنهادهای ایشانست بر سر آن هستیم که بحث درباره روش مبارزه جبهه ملی و اختصاصات و کیفیات آنرا با در نظر گرفتن اوضاع و احوال موجود ادامه دهیم"

جز برای روشنفکرانی که بامید وزارت و وکالت بهر پستو تن میدهند و هنوز اعتقاد دارند با بنظر رانمود میکنند که استعمار و استعمار نو بکمک استبداد داخلی میتواند سلطنت را بهشت برون کند و به یکباره در عرض چند روز همه قبود و مناسبات کهنه را به روابط "نوپا" تبدیل سازد برای همه کس از کوچک و بزرگ از مردم گرسنه و برهنه ای که در گوشه و کنار برنی از صحراها و کشورهای رختی مانند حیوانات بچرا میرند و برای زنا و زنا و سراسر سلطنت که اصلاحات ارضی بدون نقشه و برنامه نابسامانی و پریشانی بیشتر برآورد آنان بامرفان آزرده است و برای کارگران گرسنه و فرسوده آبادانی که بظاهر از چنگال انگلیسها خلاص شده و بدست نوکران ایرانی آنها همچنان استثمار میشوند و وقتی بحد کافی از آنها تار کشیده شد بخاطر رعایت منافع بینگان و بمنظور تعطیل پالایشگاه آبادان استخراج میشوند برای دانشجویانی که در زیر شلاق رجاله هائی چون جهانشاه صالح قرار دارند و پیشه و رانی که هر روز و هر شب از شهرداری و هرزن و ... رنج میکشند و بازرگانانی که مقررات اقتضاد و خلق الساعه زندگی آنها را تباه میکند و ارمندانی که از برکت نام و تقصیت آنها دیگران بوزارت و وکالت میرسند و آنها همانطور گرسنه میمانند همه و همه میدانند که ازین طرف راه نیست در استبداد متکی به استعمار در دهانها را در ختن و بزرگ سر نیزه اصلاحات قلبی ب مردم تحویل دادن در سانسور مطبوعات و آزادی کثو و در فحشا و فساد مطلق راه نجاتی وجود ندارد. این فکر در ملت ما هر روز از روز پیش بیشتر قوت میگیرد که استعمار و استبداد و دشمن خارجی و داخلی سعادت ملت ایران و توسعه و ترقی آنها هستند.

در اوضاع و احوالی که ملت های زجر کشیده از فساد و فقر ناشی از حکومت های استبدادی را هسته استعمار جهان می آیند چنانچه نیروی جانشین در برابر این نیروی انحرافی نباید خواه ناخواه چشم اند به نیگنگان میدانند و بدین نحو تعیین سرنوشت چنین ملت های استعمار زده از که فاند رهبری متحرک و واقع بین قاطع باشند بدست سیاستمداران می افتد که از لندن یا مسکو یا واشنگتن دستبر میگیرند و پسر واضح است که تنها وجود نارضائی یا حالت عصیان بدون نقشه و برنامه صحیح مثر ثمر نیست و سیاست جبهه ملی نیز در همین است که ناراحتی ها و نارضائی های ملت را متولذ و مجسم کند و خشم و خروش مردم را بمرحله تصمیم راسخ رسانده نیروی آنها برای درهم کوفتن قبا و آهن منو استبداد و برانداختن ساط استعمار شکل ببخشد جبهه ملی در تاریخ نهضت ملی ایران برهبری مصدق بزرگ در حساس ترین لحظات مبارزات ملی بوجود آمد تجدید فصالت جبهه ملی نیز در کیفیات و اوضاع و احوالی نظیر گذشته انجام شد ملت خشمگین جهان آمده از فساد و ظلم و فقر و جهال از غلامی و دلقگو که همه زائیده دیکتاتوری بود به ندای جبهه ملی پاسخ داد و آنرا بعنوان نیروی جانشین برسمیت شناخت جبهه ملی بهین دلیل اصیل ترین نیروی است که در ایران وظیفه دارد مردم را در جهت بدست آوردن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی از دست رفته شان رهبری کند و تنها بحث گفتگو در این باره کافی نیست سؤالی که پیش میآید اینست که برای آنکه جبهه ملی رهبری مردم بقیه در صفحه ۵

دکتر مصدق مظهر ملت ایران لوحش و اسارت وی نشانه جبهه اسارت ملت
 کهنسال ایران است

α

تور در دانشگاه

جهان‌شاه صالح در رئیس خود فروخته و تحمیل دانشگاه هم چنان به نوکری ادامه میدهد. دانشگاه ما را بزدان
مبدل کرده و از بودجه های سوی و علوی ترکران چماق بدست برای سرکوبی دانشجو را اجیر نموده است دانشگاه که
باید مرکز علمی و فرهنگی و پایگاه آزادی و آزاد فکری باشد در نظر این نوکر دلقق وسیله است برای چپاول و غارت
اموال ملت و درهم ریختن کلیه مبانی فکری و آزادیخواهی که دانشگاه سالیان دراز در حفظ آن به جد کوشیده است
جهان‌شاه صالح غنم می‌خراهد دانشگاهیان ترکران حلقه بگوش را باشند می‌خراهد استادان دانشجو را سارت کنند
و ناظر غارت بیت المال ملت ادامه حکمت استبدادی و نفوذ نمانان بر انداز استعمار در ایران باشند استادان دانشجو
که به راه مصدق وفادارند ازین همه زور و قلدری که به دستور اجانب برای ازبایدن آزادی در دانشگاه اعمال میشود
نهراسیده اند. هم اکنون بسیاری از دبستان دانشجوی ما در زندان بسر می‌برند. جمعی دیگر بدستور رئیس تحصیلی
دانشگاه بسربازی برده شده اند. اما مبارزه مترقی نشده و ادامه دارد. اگر آزادی و کثی و نوکری پیش از این ادامه
یابد مبارزه را در این حد نگه نخراییم داشت و از استادان آزاد و دانشجو را در خواست خراشیم کرد که باین رجاله
آنچنان که در خواست پاسخ دهند.

در خواست پاسخ دهند

"عده کرده بردیم تا آن حد که ممکن باشد سیما ی پیام را دگرگون کنیم
و بجای زنده بادها مرده بادها ی بی معنی و پیشتازیها و عقوبت
نشینیهای پر معنی که خوشبختانه سازمان دانشجو را هیچگاه دچار
آن نبوده است اندکی هم به آنچه در گوشه و کنار مملکت میگذرد توجه
کنیم و اینک گامی در این راه"

ملاحظات در باره کنفرانس ساکافه تهران

مقدمه: استعمار خصم استعمار نریبندی مسائل را از راه توجیه و تبیین علمی بکشوهای مستعمره و نیمه مستعمره
و تحت تسلط نامرئی استعمار می قبلا ند از جمله این مسائل مفهوم ذلت و خواری و بدبختی و طل شرق است که بایان
علمی برای جمعی از روشنفکران بو ما به ز بیچاره این قیل کشورها که خیلی زود خلعت روشنفکری را با قبا و وگالت و
وزارت عوض میکنند) گفته میشود فضادی کشورها ی استعماری هنگامی که جهان را از لحاظ اقتصاد و (اجتماعی اجتماع)
تقسیم کردند در مفهوم "کشورها ی عقب مانده" و "کشورها ی جلا افتاده و پیشرفته" را عنوان نمودند اندک و این ندانند
و نظریاتی چشم هم چشمی های بین المللی و آزادیخواهی سالنی موجب شد که این اصطلاح را در نور حیثات کشورها
ترسعه نیافته و کمتر ترسعه یافته را در برابر کشورها ی ترسعه یافته بگذارند و روشنفکران مفسر کتابها ی فرنگی را در بحال
کنند. اما واقعیت جز اینست. ملل شرق روزگاری که از مفهوم ترسعه و ترقی نزد بربرها ی فرنگی خبر و نشانی نبود
دارا ی تمدن و فرهنگ در غشان بودند و هنیز هم اگر در مقابل جنایات و فجایع اقتصاد و اجتماع استعمار را ن
ایستاده اند شاید علتش را بتیان در اساس محکم و متین تمدن و فرهنگ قدیشان جستجو کرد و در هر حال اگر بر اساس
مناسبات غیر اصلی بین المللی در وضع کنونی قرار گرفته اند نه خود عقب مانده اند (بدین معنی که در ذات آنها
چنین عیب وجود دارد) و نه اینکه خود موجب عدم ترسعه یا کم ترسعه یافتن نمیشوند.

واقع امر اینست که آنها را با تمام مسائل ممکن عقب نگه داشته اند و بنا بر این تزییح ما تا پیدا کردن اصطلاح بهتر
که این مفهوم را برساند کلمه "عقب نگه داشته شده" را درین مقاله و مقالات دیگر بعنوان صفت برای کشورهای
که قربانی استعمار و استعمار تراند بنار نخراییم برد ما باین مفهوم و اصطلاح به خصوص از این نظر اهمیت میدهم
که این کلمه استعمار را بعنوان علت و عامل عدم ترسعه تا حدی (از لحاظ مفهوم) مصرف می‌کنند و روح مبارزه با آنان
در ملت ما خصوصاً روشنفکران زنده تر میکنند این ملتها ی شرق را این امری هانیستند که عقب مانده اند بدلیل آنکه

زاتا بدبختند و هوش و استعداد ندارند این استعمار و استعمار تو و عمال داخلی و خارجی زی هستند که ملتها را عقب نگه میدارند و بنابراین باید بآنها پیکار کرد .
در باره کنفرانس کافه

نمایندگان کشورهای آسیا و خاررد فوژیا حضور ناظرانو. از امریکا - انگلستان اتحاد شوروی و اغلب کشورهای بزرگ صنعتی در شبه ۱۲ / اسفند در تهران تشکیل جلسه دادند صرفنظر از تشریفات در این اجلاسیه در واقع و موضوع مورد بحث قرار گرفت :

- ۱- اهمیت نقش تولید کالاها و مشابه وارداتی در توسعه اقتصاد آسیا و خاررد دور و متفرع کردن مواد خام اولیه .
- ۲- بررسی شرایط توسعه اقتصاد و موجود در این منطقه .

در مورد مواد خام و اولیه صادراتی اظهار نظر نمایندگان بعضی از کشورهای بشرح زیر بود :

"مهمترین مساله عدم وجود ثبات در قیمت ها و بازارهای مواد اولیه است و بطوریکه میدانیم صادرات اصلی کشورهای در حال توسعه نیز همین مواد است "

"تنوع صادرات و جلوگیری از واردات از راه تولید مشابه کالاهای وارداتی بخواه خود کمک فراوانی به توسعه همکاری بین المللی خواهد نمود ."

"تنزل قیمت مواد خام و اولیه بملقصد یا بکشورهای در حال توسعه خساراتی وارد میسازد و باین بوسه قیمت ها را بخاطر نفع کشورهای صنعتی میباشد "

"تولید مواد غذایی و کسری موثر زنه پرداختهای کشورهای در حال توسعه حقایق تلخ است "

"در حال حاضر شرایط و اوضاع تجارت بین المللی به ضرر کشورهای منطقه اکافه است "

نتیجه ملین نکته اساسی است که آسیا و خاررد دور قسمتو از منطقه وسیع عقب نگاهداشته شده آسیا و افریقا و امریکا و لاتین را تشکیل میدهد کشاورزی و مناسبات کهنه و حلکیت فئودالیسم همراه با تسلط استعمار به بدترین نحو مانع هر نوع بسط و توسعه اقتصادی است گذشته از چند کشور درین مناطق که در جهت صنعتی شدن گامهایی بر میدارند بقیه با مسائل کهنه و عقب مانده محصولات کشاورزی و مواد خام تولید میکنند پنبه برای سودان و مصر شکر برای کوبا کف برای پاکستان قهوه برای برزیل - کائوچو و قلع برای مالزی نفت برای ایران - کویت و عراق و عربستان و ونزوئلا کالای اصلی صادراتی است بعدین ترتیب رقم بزرگ درآمد ارزی کشورهای عقب نگاهداشته شده را همین یک یا دو رقم کالای صادراتی تشکیل میدهد و بنابراین اقتصاد این کشورها وابسته به درآمدی است که از یک نوع ماده خام و اولیه بدست میآورند ترقی و تنزل قیمت های مواد اولیه مستقیما بر روی درآمد مردم و در نتیجه زندگی آنان تاثیر عظیم حیلتی بجا گذاشته و کشورهای عقب نگاهداشته شده را بزائده کشورهای بزرگ صنعتی مبدل کرده است و بهمین مناسبت است که کشورهای استعماری حکمت های نوکر کشورهای عقب نگاهداشته را حمایت میکنند تا آنها هرچه بیشتر به ضرر ملت های خود و بِنفع این کشورها این وابستگی اقتصاد را تقویت کنند و آشکار است که این کشورها و وابسته باقتصاد کشورهای پیشرفته صنعتی از نظر سیاسی و در تمام زمینه های اجتماعی اجبارا زیر تسلط و نفوذ کشورهای صنعتی قرار دارند و در نتیجه کشورهای صنعتی بصورت آقا و ارباب کشورهای عقب نگاهداشته شده درآمد دارند .

باید دید این تسلط اقتصاد ی چگونه است و چطور حفظ میشود ؟ بلیه در شماره آینسده

"... مل شرق بیدار شده اند و زنجیرهای استعماری را بک بعد از دیگری از دست و پای خود بر میدارند ... ما بخاطر یک معامله تجاری و کم و زیاد کردن عایدات خود نفت را علو نکرده ایم . استقلال ما در صورت اداعه عیالیات

کمپانی سابق برای همیشه خدشه دار برد ...
از نطق دکتر محمد مصدق در دانشگاه قاهره
شبه ۲ آذر ۱۳۳۰

را در مبارزات بدست داشته باشد چه باید بکند؟ در اینجا اول باید دید مقصود از جبهه چیست؟ اما در شماره های گذشته در این باره صحبت کردیم و در شماره های آینده نیز بتفصیل از جبهه علمی و شکل سازمانی که باید داشته باشد گفتگو میکنیم در اینجا باختصار اضافه میکنیم جبهه علمی ایران ترکیب هم آهنگ و شکل یافته از نیروها و احزاب علمی است که در شرائط و اوضاع و احوال کنونی ایران برای هدف مقدس و بزرگ "آزادی و استقلال ایران" پیکار میکنند این پیکارمدام و پیگیر است احتمال طوی لانی بودن آن نیز هست اما در این پیکار صبر و انتظار را مقام و منزلت نیست روش های مبارزه ممکن است تغییر کند گاهی بشکل مثبت و زمانی بصورت منفی در آید اما تحمل دستگاه استبداد با سکوت در مقابل اربابان استعمارگران در این مبارزه جای ندارد خلاصه جبهه علمی موجود ارتباطی وسیع است که همه ملت را در بر میگیرد و طبعا چنین سازمان اجتماعی سیاسی را نمیتوان در اطاقهای دو بسته و دو گریه های پنج زشش نفری خلاصه کرد و آنها را منفی نمود و در عین حال صعبت از مبارزه علنی کرد و رقتی قبول کردیم که جبهه علمی متعلق به همه ملت است منطقا قبول خواهیم کرد که باید مدافع و حامی حقوق و منافع همه گریه های اجتماعی باشد و نیروی جبهه علمی نیروی ملت است بنا بر این بطور قانونی و علنی میتوانند و باید که پاسدار حقوق ملت باشند اما نباید فراموش کرد که قانونی و علنی بودن خود هدف نیست بلکه اساس کار مبارزه اصیل جبهه علمی را بدست آوردن آزادی و استقلال تشکیل میدهد

در متنها متعددی که در چند روز اخیر از پیشروی ملت بدست پیرانش رسیده است "استقامت در راه کسب آزادی و استقلال ایران" گوشزد شده و این مؤید همین فکر است که مبارزه باید در کادر بسیار وسیع برای آزادی و استقلال ایران ادامه یابد و میخواهیم آزادی بدست آوریم و به همین دلیل با دیکتاتوری با قلدوری با استبداد در جنگ خواهیم بود

استقلال ایران اعم از استقلال اقتصادی اجتماعی سیاسی مورد توجه است و به همین دلیل با استعمار و استعمار نوکس استقلال ملتها را از میان ببرد و نیز با اعمال داخلی آنها پیکار خواهیم کرد

اما برای آنکه در این مبارزه علمی موفق شویم باید همه ملت که از لحاظ نظری داخل در تصرف جبهه علمی هستند عملا نیز مبارزه کشیده شوند و باید طبقات و افراد مختلف ملت اعم از کشاورز و کارگر همیشه در فرهنگ کارند و ملت دانشجو زن و مرد همه و همه جبهه علمی را مدافع منافع خود بدانند

دفاع از منافع گریه های مختلف در نادر مصالح علمی و هدایت کشاورزان برای خروج از وضع نابسامان فعلی و حمایت کارگران در برابر بیکاری و صنعتگران و پیشه وران و بازرگانان در مقابل مقررات اقتصادی خلق الساعه که بدستور استعمار نو و برای استفاده هژم استبداد تنظیم میشود و بالاخره پاسداری منافع علمی اصیل تمدن و فرهنگ ایران و تطبیق آن با مقتضیات و شرائط تمدن واقعی جهانی جز برنامه مبارزه واقعی جبهه علمی قرار ندارد

حکومتها و متکو با استعمار در ایران کاری از پیش نبرده و نخواهند بود این حکومت بجای آنکه منافع ملت را در نظر بگیرند پسود بیگانگان و بسید بازارهای جهانی عمل میکنند مقررات اقتصادی مخصوصا در جهت مطامع استعمارگران تهیه و تدبیرین میسر و فقر و جهل و مسکنت ملت نتیجه برنامه های مبتنی بر سر نیت اقتصادی سیاسی فرهنگی دولتهاست این فقر و جهل شیوازه نظام اقتصادی ایران را فوسیده کرده و از جهت دیگر حیات اجتماعی ملت را تهدید میکند سر ظن یاس و بدبینی و بیچارگی و آوارگی و در هم ریختن اساس زندگی در شهر و روستا شوره و فایده انقلاب و اصلاحات چند سال اخیر حکومتها ز غلامان نانه زاد رجان نظر است

سقوط اینگونه حکومتها از لحاظ معنوی و جنبه بین المللی ادامه حیات آنها را غیر ممکن کرده است و مانورهای از قبیل حزب ستازیها و تفکر کابینه ها که بصورت جایجا کردن مهره های بازی در آمده است این پن بست دستگاه استبدادی

نیوان را از بین نخواهد بود

دانشجویان دانشگاه که همواره دفاع از حقوق و آزادیهای کلیه ملت ایران را وظیفه خود دانسته اند فشارهای غیرقانونی و وحشیانه نسبت به جامعه و طابقت را بشدت محکم میکنند و آزادی بدین قید شروط حضرت آیه آله خمینی پیشروی شیعیان جهان را خواستارند

اعلامیه حقوق بشری: "آموزش و پرورش باید طوری ددا پت شود که شخصیت انسانی هر کس را بخدا کمل برسد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند."

آیا دانشگاهی که متصدیان آن بالاترین توهین ها را بدانشجویان میکنند میتواند شخصیت افراد را بمرحله کمال رشد برساند آیا جناب عالی در مورد نقض کنندگان این اصول تا کنون اندیشه ای کرده اید؟

آقای رئیس: متصدیان فعلی دانشگاهی نه تنها حق آزادی بیان را از دانشجویان سلب کرده اند بلکه آنان را بجرم عقابندی که حتی اظهار نکرده اند مورد اهانت قرار میدهند.

آقای رئیس - شما بعنوان رئیس قوه قضائیه کشور باید بدانید که حق استفاده از فرهنگ و تعلیم و تربیت را از دانشجویان سلب کرده اند. شما باید بدانید که بکوچکترین بهانه ای دانشجویان آزاده دانشگاه را از دانشگاه اخراج میکنند و اخراج آنان را به دستگاههای انتظامی گزارش میدهند و از آنها میخواهند که این اخراج شدگان را بسر بازی ببرند.

آقای رئیس: در هیچ جای دنیا این چنین بی حساب و کتاب بر طبق مقررات من در آوردی حق مکتب دانشجویان را از آنان سلب نمیکند ما بدینوسیله اعلام جرم میکنیم و شما را که باید حافظ عدالت باشید بکمکم میطلبیم شما که رئیس قوه ای هستید که بر طبق اصل هفتاد و یکم متمم قانون اساسی فراموش شده "....." مرجع رسمی تظلمات عمومی "....." هستید.

آقای رئیس: بسیاری از دوستان ما را بدون جهت از دانشکده ها اخراج کردند - بسیاری از آنان پسران در بدری ها بوسیله ما موران انتظامی بطور غیر قانونی بازداشت و بسر بازی برده شده اند برخی نیز که دارای معافی بوده اند بزندان کشیده شده اند.

در مورد بعضی نیز روشهای قرون وسطائی گرومشی را بکار برده اند پدر و برادر یکی از دوستان ما را بزندان بردند تا برادر دیگر خود را مصرف کند. آخرین دوست دانشجویی ما که در سال پنجم دانشکده پزشکی بتحصیل اشتغال داشته است آنچنان با عجله دستگیر کردند که حتی هنگام رسیدگی بیرونده نظام وظیفه امر حکم اخراج از دانشگاه در پرونده وی موجود نبود و نظام وظیفه مجبور شد گواهی ما موران سازمان امنیست را بجای حکم اخراج بپذیرد.

هم اکنون آقایان باسداد ارفخ زاده دانشجوی آرشیبکت و احمد آل ابراهیم - بعقوب سیگاری متجدد و محمود سید علی عسگری - سید عبدالله کابلی - هوشنگ مهران دانشجویان دانشکده کشاورزی و احسان فیلسوف و رضا انصاری دانشجویان دانشکده فنی و محمد یوسف کلکتی دانشجوی علوم و انگشتی و فریدون تقی زاده دانشجویان دانشکده پزشکی و شکرالله پاکتراد دانشجوی حقوق بعنوان تنبیه بسر بازی فرستاده شده اند و آقایان برلبان دانشجوی پزشکی ضیائی دانشجوی حقوق - قنادیان دانشجوی داروسازی و مهرابی و مقدس زاده و مهدوی و نراقی دانشجویان دانشکده فنی در حدود چهار ماه است که در زندان بسر میبرند.

آقای رئیس: جناب عالی بعنوان بالاترین فرد عالترین مرجع قضائی کشور موظفید از شرف و حیثیت فرد و اجتماع و منافع این هردو حمایت کنید. بی احترامی بفرود توهین بمقام و موقعیت دانشجو در دانشگاه رواج کامل دارد و متصدیان اداره دانشگاه میخواهند با دانشجویان مانند بردگان رفتار کنند میخواهند آنها را بجاسوسی علیه یکدیگر وادارند موقعیت و مقام بشری را در آنان تنزل دهند و انحطاط اخلاقی را بیشتر از پیش نمایند درست است که موفقی نمیشوند اما هر لحظه عصبانی تر از لحظه پیش میشوند و در هر لحظه فرد یا افرادی را که مقدم بر دیگرانند با آنان اعتراض میکنند اخراج مینمایند.

آقای رئیس: شما موظفید از کسانی که در این شرایط با درون و نبرنگ در جنت هستند بخاطر عدالت دفاع کنید همچنین اگر خود را موظف بحفظ حیثیت اجتماع و موسسات آن بدانید باید با این مسئله حتما توجه بفرمائید که در این جریان سر بازی را بعنوان تنبیه علیه دانشجویان بکار میبرند جناب عالی بخوبی میدانید که انجام

وظیفه را بصورت تنبیه در آوردن و جمعی را بوسیله آن مرعوب کردن حد اقل اشتباهی است که قرین خیانت است بخصوص اگر اینکار غلط نسبت بمفهوم سربازی انجام پذیرد توالی فساد آن بیش از آن حد است که قابل ذکر باشد آقای و شبلیس : با تشکر از اینهمه حوصله که برای خواندن این اعلام جرم نسبت بمقتصدیان کنونی دانشگاه بخرج داده اید در پایان تذکار این نکته را بجا میدانم که مملکت ما در حال حاضر مراحل حساسی را میگذراند این مرحله را باید باز شناخت و توجه کرد اگر فکر و روی جوانان بیش از این آزرده شود اگر جوانان دانشگاه را بعنوان مظهر حکمرانی مملکت تلقی کنند و در آنجا بجای حق و عدالت ببدادگری و بجای منصفی زور و قلدری و بجای ادب بیشرمی و بی ادبی را حاکم ببینند آنها دیگر خواهند توانست بیپیزی دل ببندند و احترام بگذارند؟ آنها بر طبق بندت ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اگر بگویند "هر کس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد و تکامل شخصیت او را مبسر سازد" بناسپاسی متهم نخواهند شد؟

این نکته را بعنوان یک تذکر و یک اعلام خطر بشما که حافظ حقوق ملت ایران و ناظر اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر هستید میگوئیم. امیدواریم این نامه شما را پاندمیشه قمر و برد خطرات این وضع را در نظر آن جناب مجسم کند و شما را براهی که خیر و صلاح مملکت در آنست هدایت نماید.

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

گذشته و آینده دانشگاه

و اینک در آرمان نهفته ز نو
جان میگردد هنری لائیک فلو

بدنبال کودتای ۲۸ مرداد و پسران در هم شکستن و پراکندگی کلبه احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی ایران که توسط تکیه گاههای داخلی استعمار عملی گردید هر گونه اظهار حیاتی از طرف ملت و نیز هرگونه تظاهراتی علیه حکومت کودتای استبدادی متکی باستعمار خاموش شد تا اینکه بالاخره اعتصاب عظیم خونین و هفتاد هزار نفری کارگران محروم کوره پزخانه ای اطراف تهران - گرده " سکوت را شکست و پسران آن اعتصاب همه بنامید " را نندگان تا کسی بجای تهران که با موفقیت نیز بیابان رسید ضربت دیگری بود که بر ریشه خفقان کشور وارد آمد ولی بجز همین دو انحصار خشم آلود - که وجه امتیازشان وسعت و کثرت آن میباشد - شما بدتان گفت که اعتراضات دیگری که دارای اعتباری در همین سطح بوده باشند - دیده نشد تا اینکه اعتصاب مظفرانه دانشگاه آموزشان سخن پابخت را پر کرد و بدنبال این تظاهرات موفقیت آمیز محور مبارزات ملی مبین ما بفرهنگ (مقصود آن قسمتهای آموزشی کشور است که شامل دانشگاه - معلمین و دانش آموزان میباشد) منتقل گردید و از این پس سراسر کشور میدان مبارزات خصمگی ناپذیر و مداوم این مراکز علمی علیه مظالم این دستگاه حاکمه ضد ملی گردید.

ولی متأسفانه شکل غیر قابل تأملی که تا بحال رهبری جبهه ملی بخود گرفته است - اجازه بهره برداری صحیح و مفیدی را بنفع نیروهای ملی از جبهه سلب نمود چنانکه جبهه ملی نتوانست فولاد مبارزات ضد استعماری ملت ایران را در کوره مستعد و شعله ور اعتصاب عظیم معلمین سرخ نموده و شکل مناسبی بآن بدهد. بجای اینکه رهبری جبهه ملی نقش پیش قراول و هدایت کننده معلمین را عمده دار شود بملکت سستی نمود اجازه داد تا درخششها پرچم را بدست گرفته و در نتیجه جریان را محدود و منحرف نمایند.

با اینکه محور مبارزات ضد استعماری ملت ایران بطور کلی در این چند سال اخیر بفرهنگ منتقل شده است ولی نقش عمده آنرا دانشگاه تحمل نموده و در واقع سنای پر فروغ دانشکده های سراسر کشور و خصوصاً دانشگاه تهران و دانشسرای عالی و پلی تکنیک در سالهای اخیر بیش از حد توقع از خود درخشندگی نشان داده است

هر چند که دو اعتصاب بزرگ کارگران کوره بزرگخانه و رانندگان ناگس ها در گبر اگیر دوران خفقان بعد از تسلط جابرازه کودتای ۲۸ مرداد مانند فریاد درد آلود و خشمگینی بود که تهران را بیدار کرد معذالک از آنجا شبکه هردوی آنها جنبه صنفی داشتند صحبتتر است که گفته شود: بالاخره این افتخار نصب دانشگاه شد که توانست با متبذک خود در تابستان ۳۹ بخهای ضخیم سیاست گورستانی حکومت کودتا را بشکند.

همراه با این متبذک که متاسفانه رهبران فعلی جبهه ملی از روی عدم بصیرت سیاسی با تشکیل آن مخالفت نموده و در برگذاری آن نیز حاضر نشدند دانشگاه تهران چهره "جسور پیشرو و تسلیم ناپذیر خود را رسماً" بملت ایران و همه جهان پنهان نشان داد و از آن پس دانشگاه تهران بمحور حوادث و مبارزات سیاسی کشور تبدیل شد. بدیهی است هر اندازه دانشگاه بیشتر بار مسئولیت مبارزات ملی را بر دوش میگرفت بهمان نسبت نیز دستگاه حاکمه ایران بیشتر برای خورد کردن و درهم شکستن وحدت و تضییع قوای آن تلاش میکرد که بدبختانه ضعف کفیی رهبری نیز کمکهای سنگین با این دستگاه مینمود. با اینهمه دانشگاه تهران لحظه بلحظه آگاهتر و دقیقتر و سمجتر گشته و برای مقابله با هرگونه مبارزه ای چه در جهت کوبیدن هرچه بیشتر حکومت متکی با استعمار ایران و چه در جهت نفی انحرافات و ضعفهای درونی نهضت آمادگی بیشتری یافته است.

و اکنون در سیمای درد کشیده و مبارز دانشگاه خطوط و علامات امیدوار کننده تری دیده میشود. دانشگاه بسمت بزرگترین اصالت تاریخی خود قدم بر میدارد - دانشگاه مبرود تا با شهادت و هوشیاری پرچمدار مبارزات ملی شده و در رهبری نهضت ملی شرکت نماید. رهبری غیر اصولی جبهه ملی بجای اینکه از دانشگاه بعنوان مرکزی جهت تربیت کادر ای گرداننده نهضت استفاده نماید و پیوسته بکوشد تا خود را بنیروهای وسیع ملت نزدیک ساخته و با بمیدان کشیدن هرچه بیشتر مردم جهت بکاپیکار مرگ و زندگی ملی دستگاه حاکمه نوگر استعمار را همراه با اربابان استعمارگر خود مجبور بعقب نشینی و شکست نماید. دانشگاه را بعنوان پگانه تکیه گاه اصولی و کافی نهضت ارزیابی نمود و هر چند که با وصف این روی خوش بدانشگاه نیز نشان ندادند معذالک یا باز کردن همه بارهای نهضت بدوش دانشجویان از دو جهت بظلمت رفت یکی از لحاظ خسته کردن نیروهای روشنفکری که میدیدند در خارج از محیط خود جو از زنده ای ایجاد نمیشود و دیگری از این جهت که با مصرفی کردن دانشگاه بعنوان تنها تکیه گاه نهضت کلبه این مخاسبه صحیح را بدشمن مبداد تا نیروهای شیطانی خود را پراکنده نموده و با همه قوا برای درهم شکستن و بی اثر نمودن این نیروی محدود بکوشد و چنانکه دیدیم دستگاه استبداد توسط نیروهای اهریمنی خود حتی دست بیورشها و قشون کشی های پی در پی علیه دانشگاه زد تا شاید این سنگر را نیز از صحنه خارج سازد ولی شهادت و ایمان دانشجویان بعنوان عظیم ترین سدها آنچنان در برابر دشمنان ملت در خورد کننده ترین شرایط استقامت نمود.

امسا امروز دانشگاه با تکیه بتجربیات دردناک این چند سال اخیر با فراست بیشتری قدم برمیدارد و با علم با اینکه رسالت تاریخی دانشگاه در این نیست که بعنوان نیروی ای عمده نهضت عرض و اندام نماید بلکه در اینست که بتواند کادرهای لازم را جهت ارتباط با کثیرترین نیروهای دردمند کشور و هدایت آگاهانه آنها بنهضت تحویل دهد میکوشد تا گامهای اصولی و مفیدی را برای خارج کردن جبهه از بحران فعلی و ایجاد بک محیط مبارز ۵ ساله برآورد.

و برای این منظور و برای اینکه در رد پای اشتباهات گذشته قدم گذاشته نشود لازم است که دانشگاه از هم اکنون تسلط سیاسی و جرات را جانشین سن و ساز و خویشاوندی نماید. نان قرض دادن را ملغی نموده و بجای آن افشا گوئی را بنشانند از بیان اشکالات درونی خود نهراسند و با اظهار آنها در رفشان بکوشد خود را مافوق ملت ندانسته و با این حساب احمقانه که مردم میبایستی دست بسینه در مقابل پرچمدار و رهبری ایستاده و بدون اظهار نظری تنها میبایستی منتظر فرامین آنها باشند خود را از نیروهای حقیقی نهضت جدا نمائند. همانطوریکه شبهه "هر رهبری فرتوت است جدا ننماید" شمار ای مبهم و بی کشر و شمارهای را که برای تفسیر

آنها صد عالیشان استدلالات همراه با صدها دایره المعارف زم است بدور ریخته و بجای آنها شعارها و ساده و قابل لمس شعارهای که ساده ترین دشمنان بسادگی و غصه ترین کاروان با دلپذیری آنها دور نمایند اعلم نماید بجای اتکاف بذهنیات بایستی برزندی عملی و در دنیا مردم تکید نمود آنها نه مردم و اشرف تن نه مردم لندن و نه مردم مسکولیکه مردم پرهنه و گریسته که نوشته و کنار این سرزمین انباشته از پذیرش میبوند و میبوند دانشگاه تنها با تکیه برزندی دردمند این علمترین ارتشهای ملرو فنا تا پذیر و با تداوم مداوم جهت پر ردا نندن بگزند انسانی بر این موجودات مفلوک و زجر کشیده است که میتواند رسالت تاریخی خود را که جورانه آغاز کرده است تا امانه بیا یا برساند.

سازمان رهبری جوانان

مزبله دانشی جدید دانشگاه را تعریف میکنند

جوانی دوره ای از زندگی است که در عصر انقلاب از با مفهوم و مصداق دست آویز در ماندن آن و به چارگان همیشه حاکم شده است - مدتی است عوام فریبی های بی شرمانه بنام جوانان و برای جوانان صورت میبرد و چند پست دایه های مهربانتر از مادر ادعای رهبری و هدایت و ارشاد جوانان را هم بر داعیه ها میبندد آنه خود افزودنشانند و از بودجه علمی و سربو دست امپای انتظامی دودودم راه انداخته و سازمان برای رهبری جوانان برداخته اند . در کتب سازمان رهبری باشاه مرکزی جوانانی هم علم کرده اند اداره شعبه با زیرها و غلا فکارها و ترویج فساد اخلاقی آن تا چند روز پیش در دست رهبری که از این لحاظ بسیار توانا است سر برده شده بود اکنون این مزبله را بدین روی تحویل داده اند - از این روی بگویی به ماهیت این دم و دستگاه توجه کند و آلت های فعلی و بیچارگی های و آنگه دنیای پویا بوده اند یا بخاطر ترهات و ابای از رهبر باطل وی قبلی دور هم جمع شده یا از هرج و مرج باشاهی استفاده میکرده و با خرم ساده دانشی را که اول خورده بودند بدنیای کارا علمی شان فرستند و این دکان بی رونقی (از لحاظ افراد با شرف و تقوی) را یکسره تعالیس کنند الف از عواصب و خیم مزبله ها که در همه جای دنیا از جمله کشورهای غربی سابقه دارد و پای بسیاری از رجال راهم بمیان کشیده در آن خواهد بود و نتیجه هنر نمائیهای رهبری مزبله دار قبلی هم بوی تعفن میگیرد - در این بار سخن را سر بسته میوئیم تا چه قبول کنند و به در نظر آید .

دانشجویان دانشگاه خواستار آزادی فردی و بدون قید و

و شرایط سران جمعیت نهضت آزادی ایران هستند

محاکمه سران و اعضای دلیر جمعیت نهضت آزادی ایران حضرت آیت الله العظمی جلاب آقا مهندس بازرگان اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران و آناها دکتر حاجی استاد دانشگاه بزرگوار و ارو ارزنده دانشگاه آقای مهندس حاجی و دکتر شهبانی و آذیان علی با پائی و حکمی و عدالت منش در دادگاه غیر صالح و فرمایشی تجدید نظر نظامی ادامه دارد - در روز ۲۸ اسفند آقای دکتر حاجی بمناسبت روز ملی شدن صنعت نفت از مبارزات ملت ایران - بر رهبری مصدق بزد یاد کرد - دانشجویان دانشگاه این محاکمه غیر قانونی و فرمایشی را بشدت محکوم میکنند و اعلام عدم صلاحیت و متوقف ساختن این خیمه شب بازبهارا همراه با آزادی فوری و بدون قید و شرایط سران و اعضای جمعیت نهضت آزادی ایران و دوستان فداکار جبهه ملی را خواستارند .

دروزد بدانشجویانی که بدستور رژیم خون فروخته و تحمیلی دانشگاه بزنندان و سربازان بوده شده اند .

مسئول کارگزاران دشمنان پیروز است